**( 140 )**

**هو الله**

ای سرگشته کوی دوست تا کی دم فرو بسته دلخسته نشینی و بوجد و طرب نیائی و زخم خویش را مرهم ننهی جام لبریز پیمانه عشق در کام طالبان نریزی و در محفل عزیز مصر الهی مشک و عنبر نبیزی فریاد برنیاری نعره نزنی وا طربا نگوئی وا شوقا بلند نکنی فرصت از دست رود و سجل حیات منطوی شود منشور موهبت ملفوف گردد و آه و حسرت باقی ماند ای بندۀ بها الحمد لله اکلیلی از ملکوت جلیل بر سر یارانست و کامرانی آن جهان سریر سلطنت ابدیهء دوستان دیگر چه موهبتی اعظم از آن قدرش بدان و علیک التحیة والثنآء (ع ع)